

شاید پرداخت مناسبی نداشته باشند و با تمام تلاشی که کردم احساس می‌کنم هنوز چیزی کم دارد. ولی خب در کنار آن شخصیت‌هایی هستند که بخوبی پرداخت و اجرا شده‌اند.

■ **مثل کاراکتر سازگار با بازی فرهاداصلانی.**

بله. بوفه چی که خودم به شخصه خیلی دوستش داشتم. البته یک نکته بگویم که به هیچ عنوان توجیه ضعف‌های فیلم نیست. من حامد را در این فیلم آدم تنهایی می‌دانستم که در راهی که انتخاب کرده به هیچ کسی نمی‌تواند اطمینان کند. در طول مسیری که حامد تصمیم می‌گیرد خواهرش را عمل کند تا پایان فیلم فقط یک جا از سودابه می‌پرسد: «اگر خواهر خودت بود چه کار می‌کردی؟» هیچ کجا هیچ توضیحی نمی‌دهد چون خودش می‌داند چه کار می‌کند. به نظر می‌رسد باید سرش را پایین بیندازد و تنهایی حرکت کند و در این مسیر خرد شود. این آدم نمی‌تواند دردش را به کسی بگوید و مجبور است دروغ‌های متعدد بگوید بدون اینکه بتواند با دیگران مشورت کند. این تنهایی حامد را دوست داشتم.

■ **و البته مصطفی زمانی می‌توانست بهتر از این، چنین شخصیت پیچیده و تنهایی را بازی کند.** کاری که پریناز ایزدیار و حتی بازیگر نقش سودابه می‌توانستند برای پررنگ‌تر شدن نقش انجام دهند. کاری که فرهاد اصلانی با نقش سازگار کرد.

من خیلی صادقانه اعتراف می‌کنم در ابتدا به بازیگر ایراد نگیریم. بازیگر برای اینکه توانایی خودش را به نمایش بگذارد باید نقش بخوبی برایش شکل گرفته باشند. اگر من نتوانسته باشم در نگارش فیلمنامه نقش را پخته کنم هر بازیگری باشد نمی‌تواند آن را به اوج برساند. وقتی نقش، نقش درستی است و بازیگر آن را بخوبی ایفا کرده طبیعتاً به دل مخاطب می‌نشیند. من در توانایی‌های خانم ایزدیار و مصطفی زمانی و محسن کبیانی شک ندارم بلکه به توانایی خودم در نگارش فیلمنامه تردید دارم.

■ **ظاهراً برای نقش حامد قبل از مصطفی زمانی با حامد بهداد صحبت کرده بودید.** فکری می‌کنید با حضور بهداد چه اتفاقی برای فیلم و نقش حامد می‌افتاد؟

بله ولی در ادامه دچار مشکل شدیم و خیلی محترمانه از هم خداحافظی کردیم. الان نمی‌دانم با حضور حامد بهداد چه اتفاقی برای فیلم و نقش می‌افتاد ولی خوشحالم که مصطفی این نقش را بازی کرده است.

■ **حرف و حدیث‌های زیادی در فضای مجازی در خصوص استفاده از ارات دولت برای این فیلم شنیده می‌شود.** در حالی که شما بارها از این فیلم به‌عنوان یک فیلم مستقل یاد کرده‌اید. در این مورد توضیح می‌دهید؟

متأسفانه تهمت‌های زیادی در این مورد شنیده‌ام. اینکه وزارت بهداشت هزینه این فیلم را داده است. در حالی که اگر چنین اتفاقی می‌افتاد، برای ما هم خوشایند بود و قطعاً نام این ارگان را هم در تیتراژ می‌آوردیم. در صورتی که ماحتی اجازه فیلمبرداری از داخل بیمارستان را نداشتیم و تمام سکانس‌های داخلی بیمارستان دگور برطرف کردن آن با چند نسل و دولت بود.

■ **برخی صحبت‌ها هم مبنی بر این است که هزینه این فیلم را فارابی تأمین کرده است.**

ما هم مانند همه فیلم‌ها از بنیاد فارابی وام گرفته‌ایم و باید این پول را پس بدهیم. سرمایه‌گذار این فیلم همان‌طور که در تیتراژ آمده است، من و آقای سرتیپی هستیم. هیچ مشارکتی هم با فارابی نداشتیم و قطعاً باید پول را پس بدهیم.

■ **برخی از منتقدان بر این باورند که بعد از «بوسیدن روی ماه» و «طلا و مس»، «یک روز بخصوص» یک عقبگرد برای همایون اسعدیان به حساب می‌آید.** خودتان چطور فکر می‌کنید؟

من نظری ندارم و فقط این را می‌دانم که قشنگی حرفه فیلمسازی به همین است. شما چند کارگردان را در جهان سراغ دارید که فیلم به فیلم به جلو پیشرفت کرده باشند؟ خیلی‌ها معتقدند فیلم «فروشنده» و «جدایی نادر از سیمین» از فیلم «در باره‌ای» اصغر فرهادی ضعیف‌تر است. ولی آن دو در جشنواره‌های جهانی موفق می‌شوند. پس قشنگی این حرفه به این فرار و فرودهاست. همه ما عقبگردهای سنگین داریم و گاهی سقوط آزاد را هم تجربه می‌کنیم.

اصلاً حرف این فیلم، انتخاب است. چون انتخاب اول انتخاب‌های بعدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. و برای همه این انتخاب‌ها توجیه داریم. اگر من رشوه بگیرم دیگری می‌گیرد. با شما موافقم که اگر حامد تصمیم اول خود را می‌گرفت حق به حقدار نمی‌رسید ولی او با انتخاب نهایی خود به نوعی خودش را نجات داد. به نظر من هیچ آدمی یک شبه تبدیل به دزد، خلافکار و... نمی‌شود. همه ما اگر به گذشته‌مان برگردیم متوجه می‌شویم که نخستین قدم‌هایی که ما را به اینجا رسانده ۲۰ سال پیش برداشته‌ایم. شاید آن قدم و انتخاب را پیدا نکنیم ولی در نهایت برای تبدیل شدنمان به یک آدم سودجو و منفعت طلب توجیه داریم.

■ **برای پایان‌بندی متفاوتی که از آن یاد کردید تصویری هم داشتید؟**

بله. این دختر را برای پیوند قلب به اتاق عمل می‌بردم و حامد در محوطه بیمارستان می‌نشست و گریه می‌کرد. یعنی گریه که عذاب وجدان آینده در آن دیده می‌شود و اینکه دیگر آرامشی نخواهد دید.

■ **و فکری می‌کنید تماشاگر با مدلی که در فیلم دیده شد چه برخوردی کرد؟**

بسیاری معتقد بودند که دروغ پرسنل بیمارستان برای یکدیگر است، کس جای حامد بود می‌پذیرفت که خواهرش عمل شود. در صورتی که قهرمان‌های سینمای ما قرار نیست کاری را انجام دهند که ما می‌کنیم. قهرمان‌ها کاری را انجام می‌دهند که ما نمی‌کنیم، می‌خواهم این سؤال را بپرسم؛ چند نفر از ما آقایان حاضر هستیم مانند شخصیت اول فیلم «تایتانیک»، برای نجات زنی دیگر جان خودمان را از دست بدهیم؟!

■ **یک در صدم هم وجود ندارد!** یک در میلیون هم وجود ندارد.

زن را پرت می‌کنیم و جان خودمان را نجات می‌دهیم. ولی شخصیت چک و انتخابش را دوست داریم چون این قهرمان را دوست داریم و آنقدر این قهرمان را خوب نشان دادند که باورش کردیم. اگر قهرمانان ما و انتخاب‌شان دروغ می‌پندارند نشان از ضعف در پرداخت ما است نه ضعف موضوع.

■ **پس دلیل اینکه مخاطب کار قهرمان فیلم شما را دروغ می‌داند، ضعف کارتان است؟**

زمانی که این فیلم را می‌ساختم تمام توان خود را به کار بردم و اثری که روی پرده می‌بیند همه چیزی بود که به آن فکر می‌کردم. قطعاً فیلمی که می‌سازیم به مفهوم کامل بودن نیست.

■ **وقتی مخاطب براحتی پایان‌بندی فیلم را دروغ می‌داند، یعنی انحطاط و سقوط اخلاقی را به وضوح می‌بینیم.**

■ **شما این انحطاط را دیدید که «یک روز بخصوص» را ساختید؟**

بله. قبلاً هم گفته‌ام. به اعتقاد من این انحطاط محصول یک یا دو عامل نیست. این موضوع نیازمند یک بحث اجتماعی مفصل است. فقط این را می‌دانم که در یک دوره هشت ساله آنچنان فساد نهاده‌پنه علنی شده که برطرف کردن آن با چند نسل و دولت هم امکان‌پذیر نیست.

■ **به نوعی در این فیلم هم نشان دادید که سالم بودن در چنین جامعه‌ای کاری سخت و گاهی هم نشدنی است.**

واقعاً همین‌طور است. چون بسیاری از مخاطبان پایان فیلم را دروغ می‌دانستند. پس این بدان معنا است که ارزش‌ها تغییر کرده است. اگر این فیلم ده سال پیش ساخته می‌شد نظر مردم فرق می‌کرد. در گذشته اگر کسی در اداره رشوه می‌گرفت به فردی مغفور تبدیل می‌شد ولی این روزها از چنین افرادی به‌عنوان زرتک و توانمند یاد می‌شود. ما برای توجیه رفتارمان کلمات جدید را وارد کردیم.

■ **شما در این فیلم دو انتخاب را مطرح کردید. انتخاب حامد و منیژه. شما روی انتخاب حامد به اندازه کافی مانور دادید ولی منیژه و انتخابش را در یک یا دو سکانس کوتاه خلاصه کردید. چرا سعی نکردید این شخصیت و چالش‌های ذهنی‌اش را برای انتخاب مرگ و زندگی‌اش در مقابل اخلاق و بی‌اخلاقی بیشتر به‌تصویر بکشید؟**

قطعاً این چیزی که شما می‌گویید نقطه ضعف فیلم است.

■ **و این بحث در مورد شخصیت سودابه با بازی پریناز هم صدق می‌کند.**

درست است؛ برخی از شخصیت‌ها

گفت‌وگو با همایون اسعدیان درباره فیلم «یک روز بخصوص» و مسائل این روزهای سینمای ایران

گاهی سقوط آزاد را هم تجربه می‌کنیم

در یک دوره هشت ساله طوری فساد علنی شد که برطرف کردنش با چند نسل هم امکان‌پذیر نیست

عکس: بهروز



سمیرا جعفری

«در این فیلم نتیجه‌برایم مهم نبود، بلکه دوست داشتم موقعیتی خلق کنم که تماشاگر بگوید: اگر من بودم چه می‌کردم؟». به گفته همایون اسعدیان در «یک روز بخصوص» خود، عوامل و مخاطبان‌اش را در چنین موقعیتی قرار داده است. کارگردانی که معتقد است پایان‌بندی متفاوتی می‌توانست برای فیلم به‌تصویر یک‌شدن تاب‌سپاری از تماشاگران به جای کشیدن یک نفس راحت از انتخابی که قهرمان قصه می‌کند، نگویند این یک دروغ است. با همایون اسعدیان کارگردان «یک روز بخصوص» درباره شرایط اکران فیلم‌ها، دغدغه‌هایش در این فیلم و انحطاط اخلاقی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ **ظاهراً فروش در ابتدای اکران خیلی راضی‌کننده نبوده است؛ درست است؟**

«یک روز بخصوص» و «آباجان» در هفته اول اکران خود که قبل از تعطیلات نوروز بود وضعیت فوق‌العاده بدی داشتند. البته به شخصه اگر می‌خواستم در آن زمان که هم‌زمان با چهارشنبه سوری بود به سینما بروم، قطعاً یک فیلم کم‌دری انتخاب می‌کردم.

■ **یکی از دلایل سخت شدن کار شما هم رقبای جدی در ژانر کمدی بودند.**

دقیقاً. موضوع همین است. دو فیلم خوب کمدی هم‌زمان با دو فیلم جدی روی پرده بودند و قطعاً مردم انتخابشان در این‌ام فیلم کمدی است. ولی خوشبختانه هفته دوم اکران که با تعطیلات نوروزی همراه شد جهش خیلی خوبی در فروش اتفاق افتاد که شامل هر دو فیلم جدی در حال اکران شد. یعنی میزان فروش چهار پنج برابر شد که همین روند تاکنون ادامه داشته است. همچنین در حال حاضر که تعطیلات تمام شده است، امیدواریم با پخش تیزرهای تلویزیونی که سینما رفتن شکل دیگری به خود می‌گیرد موقعیت بهتری را به دست بیاوریم.

■ **چندی پیش آمار از ۴۰ درصد افت فروش و همچنین کاهش مخاطب در سینما منتشر شد. برخی معتقدند گران شدن بلیت سینما و توقف پخش تیزرهای ماهواره‌ای این ریزش را به همراه داشته است؛ نظر خودتان در این مورد چیست؟**

بهتر است مسأله‌ای را درباره فیلم خودم بگویم. زمانی که «یک روز بخصوص» را فیلمبرداری می‌کردیم، می‌دانستم که قرار نیست با یک فروش نجومی و میلیاردی مانند فیلم‌های سال گذشته آن هم برای چنین فیلم جدی‌ای روبه‌رو شویم. این ادعا مربوط به همان زمان است نه الان که فیلم روی پرده است. ما اگر بتوانیم مخاطب خودمان را پیدا کنیم و فروش معقولی داشته باشیم؛ راضی هستیم. فروش معقول یعنی سرمایه فیلم برگردد و کارمان را تداوم ببخشیم. طبیعتاً تصور اینکه این فیلم یا فیلم‌هایی در این ژانر فروش ده‌ها میلیاردی کنند برای کسی است که به اوضاع سینمای ایران و مخاطبان اشراق نداشته باشد که فکر نمی‌کنم شخصاً چنین آدمی باشم.

■ **ولی بدون رودربایستی باید گفت فروش خوب سال گذشته تا اندازه‌ای وابسته به پخش تیزرها در شبکه‌های ماهواره‌ای بود.**

خوارکی ایرانی در شبکه‌های خارجی تبلیغ می‌شود و هیچ برخوردی با آنها نمی‌شود، این محدودیت فقط شامل سینمای ایران می‌شود که بخش فرهنگی جامعه است.

■ **البته فضای مجازی هم در این مورد و البته فیلم شما خوب عمل کرده است.**

فضای مجازی روزبه روز در حال پیشرفت است ولی قطعاً گستردگی شبکه‌های ماهواره‌ای که سرتاسر ایران را در برمی‌گیرد ندارد. ولی ما بخش جدی از تبلیغاتمان را بر عهده فضای مجازی گذاشتیم و اتفاق مثبتی که در این فضا افتاد حمایت هر شش فیلم و عواملش از یکدیگر بود. به‌عنوان مثال سعید سهیلی مردم را به تماشای فیلم «ماجرای نیمروز» و در ادامه بقیه فیلم‌ها تشویق کرد.

■ **اتفاقی که به نظر می‌رسد نخستین بار است رخ می‌دهد؟**

بله. ما تا به حال چنین چیزی را نداشتیم. چون تا قبل از این همه تصور می‌کردند اگر مردم را به تماشای فیلم دیگری تشویق کنند از مخاطب فیلم خودشان کم می‌شود. رسیدن به این آگاهی بی‌شک به سینمای ایران کمک شایانی می‌کند.

■ **پیشنهاد جدی شما برای این روزها چیست؟**

شخصاً فیلم «خوب، بد، جلف»

بله. هم میزان مخاطب و هم تعداد و زمان تیزرها. به‌عنوان رئیس شورای صنفی نمایش آمار هفتگی فروش را دریافت می‌کنم؛ نمونه‌هایی وجود داشت که فکر می‌کردیم فروش‌اش به زور به یک میلیارد برسد؛ ولی به محض پخش تبلیغات‌اش در شبکه‌ای ماهواره‌ای، فروشش سه تا چهار برابر شد و در نهایت فروشی معادل چهار میلیارد پیدا کرد. این تجربه‌هایی است که به عینه دیده‌ایم.

■ **پس به نوعی شما موافق پخش تبلیغات از شبکه‌های ماهواره‌ای هستید؟**

بله. اتفاقاً سال گذشته جلسه‌ای درباره این موضوع داشتیم که متأسفانه نه تنها به نتیجه مطلوب نرسیدیم، حتی مسئولان نتوانستند ما را قانع کنند که اشکال پخش تیزرها از شبکه‌های ماهواره‌ای چیست؟! در صورتی که می‌توان از این زاویه به موضوع نگاه کرد که اگر تیزر فیلم‌های ایرانی از شبکه‌های خارجی که فرض کنیم شبکه معاند هم هستند پخش شود، مخاطب را به سمت سینمای ایران سوق می‌دهد. یعنی مستقیماً می‌گوید از تماشای برنامه‌های این شبکه دست بکشید و بروید خوراکي را که جمهوری اسلامی ایران برایتان در نظر گرفته ببینید. به همین دلیل اشکالی در این قضیه نمی‌بینم چون با این تبلیغات کالای خودش را تبلیغ نمی‌کند و اگر این اطلاع‌رسانی به سینمای ایران کمک می‌کند چرا باید آن را از سینما دریغ کنیم! این در حالی است که بسیاری از تهیه‌کنندگان و فیلمسازان سرمایه شخصی خود را برای ساخت فیلم صرف کرده‌اند و جالب است در این شرایط، محصولات

«

یادداشت

روایتی واقعی از واقعیات جامعه ایرانی

کامیاب امین عشایری
طراح منحنه فیلم «یک روز بخصوص»



قرار نبود در این کار از ابتدا کار به شکل دکور باشد، ولی با توجه به دشوار بودن هماهنگی بین بیمارستان و گروه فیلمسازی و عدم اجازه حضور در هیچ بیمارستانی، ما تصمیم گرفتیم کارمان را به شکل دکور انجام دهیم. به همین علت کل سکانس‌های داخلی بیمارستان را در دکوری که خودمان در ساختمان وسیعی طراحی کردیم ضبط کردیم. در فیلم‌هایی که بیمارستان می‌گردد انتخاب دکور راحت‌تر است. چرا که کارکردن در فضای واقعی به لحاظ تولیدی و بصری سخت است. شخصاً از چیزی که از ابتدا ساخته می‌شود بشدت استقبال می‌کنم.

به این دلیل که هم تمام جزئیاتش دست تیم سازنده است و هم اینکه مشکلات فضاهای عمومی را ندارد. مشکلاتی که ناشی از مزاحمت عوامل فیلمسازی و پرسنل بیمارستان برای یکدیگر است؛ بیشتر از سختی‌های ساخت دکور است؛ چرا که باید اصول و قواعد خاصی رعایت شود. البته تقریباً در این فیلم سعی کردیم به سراغ فضاهایی برویم که خودمان ایجاد کردیم. حتی در مورد دفتر روزنامه هم می‌خواستیم این کار را بکنیم که خوشبختانه دفاتر یکی از روزنامه‌ها با چیزی که در ذهنمان بود همخوانی داشت و با توجه به اینکه زمان مخصوصی برای حضورمان در ساختمان وسیعی طراحی ساخت دکور نداشتیم.

قصه «یک روز بخصوص» قصه‌ای است که در جامعه و واقعیت زندگی ما وجود دارد، به همین دلیل دنبال المان خاصی بود که رسیدن به دکور نبودم؛ چون همه چیز باید به نوعی واقعی می‌بود. همچنین رسیدن به چیزی که بویژه در دو فیلم اخیر آقای اسعدیان مشهود بود، کار چندان دشواری نبود.



مصطفی زمانی و فرهاد اصلانی در نمایی از «یک روز بخصوص»

حرف این فیلم، انتخاب است.

چون انتخاب اول انتخاب‌های بعدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. و برای همه این انتخاب‌ها توجیه داریم. اگر من رشوه بگیرم دیگری می‌گیرد. با شما موافقم که اگر حامد تصمیم اول خود را می‌گرفت حق به حقدار نمی‌رسید ولی او با انتخاب نهایی خود به نوعی خودش را نجات داد. به نظر من هیچ آدمی یک شبه تبدیل به دزد، خلافکار و... نمی‌شود. همه ما اگر به گذشته‌مان برگردیم متوجه می‌شویم که نخستین قدم‌هایی که ما را به اینجا رسانده ۲۰ سال پیش برداشته‌ایم. شاید آن قدم و انتخاب را پیدا نکنیم ولی در نهایت برای تبدیل شدنمان به یک آدم سودجو و منفعت طلب توجیه داریم.

پرسیدم. من هم ممکن بود این کار را انجام دهم.

■ **کاری که حامد نکرد.** پس می‌توانستید فیلم را به گونه‌ای دیگر تمام کنید؟

بله. می‌توانستم این کار را انجام دهم که حامد حاضر می‌شود در قهرست پیوند اعضا دست ببرد. اینکه حامد در رودربایستی با خواهرش و نجات جان او این کار را می‌کند.

■ **و چه شد که در نهایت به این نتیجه رسیدید که پایان فیلم خلاف چیزی باشد که خودتان انجام می‌دهید؟**

اگر حامد این کار را می‌کرد تا پایان عمرش باید با عذاب وجدان زندگی می‌کرد. شخصاً اگر این کار را می‌کردم تمام آینده‌ام را با عذاب وجدان همراه می‌کردم. البته شاید مانند برخی از آدم‌ها برای فرار از این عذاب وجدان، خود را توجیه می‌کردم؛ که مثلاً اگر من این کار را نمی‌کردم دیگری انجام می‌داد.

■ **همین شکل از توجیه را در فیلم با وجود زن و شوهر کنار تخت منیژه نشان دادید که اگر قلب به خواهر من هم نرسد با وجود این زن و مرد به آن برنمرد نمی‌رسد.**

ارتباط انسان‌ها است.

■ **البته موضوع اخلاق و بی‌اخلاقی و مقابله این دو با هم بارها و بارها در آثار مختلف به تصویر کشیده شده است.**

■ **نگران نبودید انگ به تکرار افتادن نصیبتان شود؟**

جالب است حملاتی که در جشنواره به فیلم من می‌شد، از این منظر بود که موضوع اخلاقی نخ‌نمایی را مطرح می‌کند. در صورتی که همه ما آنقدر آلوده بی‌اخلاقی شده‌ایم که دوست نداریم کسی درباره‌اش صحبت کند یا فیلم بسازد. یقیناً همه ما حالا کم یا زیاد از اخلاق دور شده‌ایم؛ برای همین فکری می‌کنیم اخلاق موضوعی نخ‌نما شده است و نیازی به پرداخت ندارد. متأسفانه این روزها همه چیز عادی شده است. دروغ، فساد، رشوه و... این روزها خیلی راحت از اختلاس می‌گذرد.

■ **می‌خواهم به این سؤال صادقانه پاسخ دهید؛ شما اگر جای حامد بودید و خواهرتان نیاز به قلب داشت چه کاری می‌کردید؟**

دقیقاً. روابط انسانی برای این وضع شده است که انسان‌ها در کنار هم با آرامش بیشتری زندگی کنند. برای ساخت فیلم صرف کرده‌اند و جامعه ما مشکل زیر پا گذاشتن اصول